

ویژگی‌های انسان کامل از منظر قرآن و روایات

فاطمه بمانی پور^۱

^۱ پایه ی پنجم تمام وقت مقطع سطح دو، حوزه علمیه الزهرا (سلام الله علیها)، شهرستان بافق



چکیده

انسان موجودی است کمال جو که تکامل او در سایه افعال اختیاری آگاهانه صورت می‌پذیرد. بنابراین انسان برای رسیدن به سعادت در ابتدا باید از حقیقت وجود خویش همچنین کمال‌های خود، آگاهی یابد. تنها راه کسب این آگاهی رجوع به مبدأ آفرینش است و او خود فرموده که انسان را آفرید تا خلیفه او باشد: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۱؛ یعنی مظهر ذات و صفاتش قرار گیرد و بنده‌ای را که به این مقام رسیده انسان کامل خوانند». انسان کامل هرچند که اصطلاحی قرآنی نیست ولی خاستگاه آن را باید در قرآن جستجو کرد زیرا واژگان بسیاری در قرآن وجود دارد که بر این مفهوم دلالت می‌کند که از آن میان می‌توان به خلیفه‌الله، مقرب، مخلص و... اشاره کرد. این اصطلاح بر گروهی از انسان‌ها به صورت تشکیکی اطلاق می‌شود، این است که هم شامل مصداقی چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌شود و هم ائمه معصومین (علیه السلام) و سایر انبیاء که حتی در بین ایشان افرادی بوده‌اند که ترک اولی داشته‌اند و هم شامل اولیایی که به این مقام رسیده‌اند. یافته‌های تحقیق حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته حاکی از آن است که انسان کامل دارای ویژگی‌هایی مانند: پرهیز از دنیاپرستی، خوف از خدا داشتن، داشتن مناجات شبانه، تهجد و شب‌زنده‌داری، طرفتبه، مشارطه و محاسبه کردن اعمال خود در هر روز، پیوسته یاد خدا و معاد بودن، استفاده درست از فرصت‌ها و استعداد، تقویت فضایل اخلاقی و زدودن رذایل اخلاقی، داشتن بصیرت، از بین بردن موانع رسیدن به کمال، تحمل رفتار ناپسند جاهلان و برخورد کریمانه با آنان، بخشش مال به نیازمندان، بردباری در ناملایمات زندگی و... می‌باشد.

واژگان کلیدی: انسان کامل، ویژگی‌های انسان کامل، انسان کامل در قرآن، انسان کامل در روایات

^۱ - بقره: ۳۰.

مقدمه

انسان حقیقی که خلیفه‌الله است، مسجود ملائکه است، همه چیز برای اوست و بالأخره دارنده همه کمالات انسانی است، انسان به علاوه ایمان است نه انسانِ منهای ایمان. انسانِ منهای ایمان، کاستی گرفته و ناقص است. چنین انسانی حریص است، خونریز است، بخیل و ممسک است، کافر است، از حیوان پست تر است. در قرآن آیاتی آمده است که روشن می‌کند انسانِ ممدوح چه انسانی است و انسانِ مذموم چه انسانی است. از این آیات استنباط می‌شود که انسانِ فاقد ایمان و جدا از خدا انسان واقعی نیست. انسان اگر به یگانه حقیقتی که با ایمان به او و یاد او آرام می‌گیرد بپیوندد دارنده همه ی کمالات است و اگر از آن حقیقت - یعنی خدا - جدا بماند درختی را ماند که از ریشه خویشتن جدا شده است.^۱

پرداختن به موضوع انسان کامل از آن جهت مهم تلقی می‌شود، که هدف از خلقت انسان را بیان می‌کند. مقصد در این تحقیق این است که با توجه به آیات و سخنان معصومین انسان بتواند در مسیر کمال گام نهد. شناخت سعادت و کمال مطلق انسان، بستگی به شناخت حقیقت او دارد که سبب شناخت خدای متعال و پیامبران الهی می‌شود؛ و نیز اثبات معاد و شناسایی فضیلت های اخلاقی ارتباط مستقیم با شناخت انسان دارد. اگر انسان خود را بشناسد، و ذات اقدس الهی را بهتر و آسان تر می‌شناسد و اسماء و صفات و افعال و آثار او را بهتر می‌فهمد و در نتیجه همیشه به یاد اوست. در این مسیر بهترین توشه راه ابدیت، علم صائب و عمل صالح است و بهترین راه عالم شدن خداشناسی است و نزدیک ترین طریق، خودشناسی است. انسان با هر کاری که انجام می‌دهد زمینه پیدایش ملکه ای از ملکات نفسانی را برای خود فراهم می‌کند قرآن کریم با شناساندن لغزشگاه های انسان مانند شهوت و غضب و یا وهم و خیال نقاط ضعف وجودی اش را به آگاهی او می‌رساند و از طرف دیگر چگونگی غلبه بر شیطان و تهذیب نفس را به او می‌آموزد و همچنین از یاد بردن مبدأ و معاد را ناشی از غفلت از خویش می‌داند. بنابراین انسانیت انسان، پس از تعلیم قرآن پدید می‌آید و تعلیم معارف قرآنی است که به روح انسان شرافت وجودی می‌دهد. انسان با اختیار خود می‌تواند حیات الهی خود را شکوفا کند و انسانیت خود را فعلیت بخشد و تا مقام خلافت الهی و مظهریت اسمای حسنا ی الهی پیش رود. از آن جا که تکامل و عظمت آدمی وابسته به امور مادی نیست، ترقیات علمی نیز از همه جهات انسان را

^۱ -مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، صص ۲۶۷ - ۲۷۵.

تکامل نمی بخشد. کمال واقعی انسان هنگامی است که خویشتن را از تنگنای غرور و شهوات و لذایذ جسمی بیرون کشد و گام هایی در راه انسانیت و بالا بردن سطح مشاعر خود بر دارد و با افکاری عالی تر و افقی وسیع تر آشنا گردد. باید نورانی شدن و رنگ خدایی پیدا کردن را بزرگ ترین و نهایی ترین هدف خویش قرار دهد، زیرا هر چه در این مسیر جلوتر رود به کمال خویش نزدیک تر می شود. در نتیجه انسان کامل، انسانی است که رشد تمام استعدادهای او هماهنگ باشد و همه ارزش های اخلاقی و انسانی او با هم رشد کند. حقیقت انسان کامل، همه حقایق را در خود گرد آورده است؛ او با این که از ماسوی الله است می تواند مقامات گوناگونی را در خود جای دهد و جامع صفات حقانی و الهی باشد. فقط خدا در نظر او بزرگ است و همه چیز و همه کس کوچک و ناچیزند و این در واقع از مهم ترین نشانه های تکامل در انسان است. او یک حقیقت است که تمام انبیاء و اولیای الهی جلوه آن حقیقت متعالی بوده و سرچشمه ی کمال همه آنان منبع نور محمدی ست. بدیهی است که اهمیت شناخت انسان کامل به اندازه ارزش شناخت معنای کمال انسان و همچنین رسیدن به آن می باشد. از همین روست که در هر زمانی باید انسانی کامل وجود داشته باشد و بر هر کس لازم است که رازانسان کامل را در یابد که این مطلب همان ضرورت شناخت وجود پیامبر و امام است. اینجاست که اهمیت جستجوی پاسخ این سوال نمایان می شود که چگونه می توان از طریق بررسی آیات قرآن ویژگیهای انسان کامل را ترسیم کرد.^۱

عبداللهی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی تحت عنوان مطالعه تطبیقی ویژگی های انسان کامل از منظر قرآن کریم و روانشناسی انسان گرا به این نتیجه رسیدند که در رویکرد انسان گرایی و در سلسله مراتب نیازها عواملی همچون ارضاء نیاز امنیت، همخوانی تجربیات فرد با خودپنداره، خودپذیری، عزت نفس مثبت، رهایی از گذشته و آینده سبب احساس آرامش و امنیت در زندگی انسان کامل می گردد، در حالی که در رویکرد قرآنی، مؤمن بودن و قرار گرفتن در حصار امن ایمان به خدا، توکل بر او، پیروی از دستورات دینی و زندگی بر طبق اصول الهی سبب داشتن اعتماد به نفس، رهایی از گذشته و آینده و در نتیجه آن احساس امنیت و آرامش می گردد. نبی اللهی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان ویژگی های انسان کامل از دیدگاه قرآن کریم با بررسی مصادیق آن به این نتیجه رسیدند که انسان کامل در قرآن با این واژه به کار نرفته است ولی به ویژگی های آن اشاره شده و در برخی روایات تفسیری، مصادیق قرآنی (تاویل) آن

^۱ - همان ص ۲۷۹.

طنین افکن است). پیامبر فرمودند: «هَذَا عَبْدٌ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ»؛ (این بنده ای است که خداوند قلب او را با نور ایمان روشنی بخشیده است). سپس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به او سفارش کردند: دائماً با این حالت ملازم باش. آن جوان از پیامبر خواست که برای او از خداوند شهادت طلب کنند، پیامبر دعا کرده و پس از مدتی در یکی از غزوات بعد از ۹ نفر دیگر به شهادت رسید.^۱

بعضی از محققین گویند: این بصیرت و بینایی که در روایت به آن اشاره شده به زیادی ایمان و شدت یقین میسر گردد، و این دو، صاحب خود را به مرحله اطلاع بر حقایق اشیاء اعم از محسوس و معقولش می رسانند، پس حجاب ها منکشف و پرده ها کنار می رود و به وضوح و یقین، آنها را بدون شائبه شکی بالعیان می بیند، و قلب او مطمئن و روحش در استراحت به سر می برد، و این حکمت حقیقتی است که به هر کس اعطاء شود، خیر کثیر به او اعطا شده است.^۱

۲-۹- بردباری در ناملایمات زندگی

صبر یکی از سجایای اخلاقی است که بدون آن تداوم زندگی و موفقیت ممکن نیست. این صفت اخلاقی به امور دینی اختصاص ندارد و هر انسانی برای هر اقدامی و هر هدف ریز و درشتی که در روزها، هفته ها و ماه ها و سال های زندگی خود دنبال می کند، باید به صبر که لازمه دست یابی به آن هدف هاست پایبند باشد. البته به هر میزان که هدف او بزرگ تر و دستیابی به آن دشوارتر و زمان برتر باشد، به همان میزان صبر بیشتری نیاز دارد. شاید به دلیل اهمیت حیات اخروی و بزرگی آن و نیز طولانی بودن زمان رسیدن به آن از نگاه بشر مادی، توصیه به صبر در قرآن کریم زیاد تکرار شده است. قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ای اهل ایمان در کار دین شکیبا باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مہیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که پیروز و رستگار گردید.^۲

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ فَإِنْ صَبَرَ اجْتَبَاهُ

^۱ - مکارم شیرازی، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴۷.

^۲ - آل عمران: ۲۰۰.

وَإِنْ رَضِيَ اصْطَفَاهُ؛ چون خدا بنده‌ای را دوست بدارد او را [در دنیا] مبتلا می گرداند، پس اگر صبر کرد او را بر می‌گزیند و اگر راضی [و خشنود] شد او را خالص می گرداند.^۱

سیره انبیا و اولیای الهی بر این بوده است که هیچگاه از خداوند، بلا و مصیبت نخواسته اند و همواره درخواست رفع بلا و طلب عافیت بوده است.

پس؛ مؤمن نباید خود را (برای رسیدن به ثواب) در معرض بیماری و بلا قرار دهد؛ چنانکه امام سجاد (علیه السلام) در دعا‌های خود، رهایی از بلا و بیماری را طلب کرد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْبَسْنِي عَافِيَتَكَ، وَجَلِّئَنِي عَافِيَتَكَ، وَحَصِّنِّي بِعَافِيَتِكَ، وَأَكْرِمْنِي بِعَافِيَتِكَ، وَأَغْنِنِي بِعَافِيَتِكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ، وَهَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَافْرِشْنِي عَافِيَتَكَ، وَأَصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَافِنِي عَافِيَهُ كَافِيَهُ شَافِيَهُ عَالِيَهُ نَامِيَهُ، عَافِيَهُ تَوْلَدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَهُ، عَافِيَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۲ بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و تندرستیت را بر من بپوشان، و مرا به تندرستیت فرو بر، و به تندرستیت نگاهدار، و به تندرستیت گرامی ام فرما، و به تندرستی بی نیازم گردان، و تندرستیت را به من عطا کن، و تندرستیت را به من ببخش، و تندرستیت را برایم بگستران، و تندرستیت را به من شایسته نما، و میان من و تندرستیت در دنیا و آخرت جدایی میانداز. بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا تندرستی ده، تندرستی که مرا [از پزشکان یا از درخواست] بی نیاز کند و [بیماریهای ظاهری و باطنی را] بهبودی ببخشد و بالاتر و برتر [از بیماریها بطوریکه بر هر مرض تسلط داشته] و افزون شونده باشد، تندرستی که در تنم تندرستی دنیا و آخرت بیاورد».

^۱ - شهید ثانی، مسکن الفواد عند فقد الأجه و الأولاد، ج ۱، ص ۸۴.

^۲ - بلخی، صحیفه سجاده، ج ۱، ص ۱۱۲.

نتیجه گیری

امیر مؤمنان علی علیه السلام در توضیح ویژگی های انسان کامل در قالب شرح حال یکی از برادران دینیشان چنین فرمود: «در گذشته، برادری دینی داشتم که در چشم من بزرگ مقدار بود؛ چون دنیای حرام در چشم او بی ارزش می نمود و از شکم بارگی دور بود، پس آنچه را نمی یافت، آرزو نمی کرد و آنچه را می یافت زیاده روی نداشت. در بیشتر عمرش ساکت بود؛ اما گاهی که لب به سخن می گشود، بر دیگر سخنوران برتری داشت و تشنگی پرسش کنندگان را فرو می نشاند. به ظاهر، ناتوان و مستضعف می نمود؛ اما در برخورد جدی، چونان شیر بیشه می خروشید، یا چون مار بیابانی، به حرکت در می آمد... آنچه عمل می کرد، می گفت و بدانچه عمل نمی کرد چیزی نمی گفت... پس بر شما باد روی آوردن به این گونه از ارزش های اخلاقی و رقابت با یکدیگر در کسب آن ها». بنابراین انسان کامل به شمار می رود که نسبت به همه ارزش ها و فضیلت های اخلاقی توجه داشته باشد و سعی و تلاش فراوان در جهت تقویت آن ها، به خرج دهد و روز و شب، از یاد خدا و شکرگزاری از نعمت های بی کرانش غفلت نورزد.

منابع

*قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، بیروت: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، ۱۳۹۰.

کتب

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، علامه، قم، چاپ: اول ۱۳۷۹ قمری.

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ق.

- ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدۀ الداعی و نجاح الساعی، تحقیق احمد موحّدی قمی؛ [ابی جا]: دارالکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ ق.

- امام خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) زمان (شمسی): ۱۳۹۴.

- _____، مجموعه آثار کنگره اندیشه های اخلاقی، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ هشتم، ۱۳۸۳.

- آیت الله مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ: هفتم، ۱۳۷۶ ش.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، تحقیق مصطفی داریتی؛ قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ الذریعة الی مکارم الشریعة؛ اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۶ ش.

- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.

- مطهری، مرتضی، انسان کامل، انتشارات صدرا، اول، بی تا.

- _____ سیری در نهج البلاغه، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱.

- _____ مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ش
- شیخ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **اصول کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- _____، **الكافی**، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ قمری.
- قمی، عباس بن محمد رضا، **سفینه البحار الانوار**، تهران: دارالاسوه، ۱۴۲۲ق .
- صدوق، محمد بن علی، **کتاب من لایحضره الفقیه**، تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- طبرسی، علی بن حسن، **مشکات الانوار فی غرر الاخبار**، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
- طوسی، محمد بن حسن، **الامالی**، تصحیح مؤسسه بعثت؛ قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
- فخر رازی، محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، **الخراج و الجرائح**، قم: مؤسسه امام مهدی ۴، ۱۴۰۹ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی**، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- لیثی واسطی، محمد بن علی، **عیون الحکم و المواعظ**، تصحیح حسین حسینی بیرجندی؛ قم: دارالحديث، ۱۳۷۶ش.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، محقق / مصحح: جمعی از محققان، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ قمری.
- محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه، ماده قلب**، شماره ۱۶۹۶۰. انتشارات دار الحديث، قم.
- مکارم شیرازی، ناصر، **اخلاق اسلامی در نهج البلاغه**، تهیه و تنظیم: اکبر خادم الذاکرين، قم: نسل جوان، شمسی، چاپ: اول، ۱۳۸۵.
- نمازی شاهرودی، علی، **مستدرک سفینه البحار**، جامعه مدرسین، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۸ قمری.